

مبانی و سازوکارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری

الهه مرندی^۱، اعظم قربانی^۲

پذیرش مقاله: 1400/04/04

دریافت مقاله: 1399/11/04

چکیده

حق آموزش از جمله حقوق بشری است که فارغ از زمان و مکان و مسائلی از قبیل جنسیت، زبان، نژاد، دین و قومیت بایستی از سوی دولت‌ها مورد حمایت قرار بگیرد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری چون میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این حق مورد حمایت قرار گرفته است. تبیین مبانی این حق و سازوکارهای حمایتی آن ضرورت انجام پژوهشی بنیادین در پاسخ به این سؤال که مبانی و سازوکارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی ایران و اسناد حقوق بشری چیست، ایجاد نمود. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که حق آموزش ابتدایی رایگان و اجباری برای همه، الزام ایجاد آموزش متوسطه در دسترس همه و نیز الزام ایجاد دسترسی مساوی به آموزش عالی، در قانون اساسی ایران و اسناد حقوق بشری مورد تأکید قرار گرفته است. ایجاد فضای مناسب روحی و روانی، ایجاد وسایل و مراکز مناسب آموزشی رایگان، دسترسی فیزیکی و اقتصادی به نهادهای آموزشی از سازوکارهای حمایتی از حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری است.

واژگان کلیدی: آموزش رایگان، آموزش اجباری، اصل 30 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق آموزش، حق تحصیل، حقوق بشر.

1. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهراء تهران، ایران (نویسنده مسئول) / e.marandi@alzahra.ac.ir

2. دانشجوی آموخته کارشناسی ارشد، حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

حق بر آموزش که از آن به حق بر تحصیل نیز یاد می‌کنند، در جهان امروز از جمله حقوق اساسی بشری محسوب می‌شود، زیرا موجب شکوفایی روح، فطرت و فکر انسان می‌شود. حق بر آموزش را می‌توان حق بر بالندگی و شکوفایی که لازمه‌ی هویت و ذات انسان است، تعبیر کرد. مهم‌ترین شاخصه‌ی انسان بودن انسان، قدرت اندیشیدن و خلاقیت اوست که درگرو محقق ساختن «حق بر آموزش» است. آموزش موجب توانمندسازی انسان و افزایش قدرت خلاقیت او می‌گردد. از آنجایی که محقق ساختن حق آموزش موجب آشنایی انسان‌ها با حقوق خود و تحقق سایر حقوق فکری و معنوی و حتی مادی او می‌گردد، این حق را کلید تمامی حقوق بشر دانسته‌اند. حق بر آموزش یکی از دغدغه‌های جامعه بین‌المللی بوده تا بدان‌ها که رسیدن به حداقل‌های آموزشی برای تمام مردم جهان اجباری دانسته شده و اطمینان از دستیابی به این مهم بر دوش دولت‌ها گذاشته شده است.

اختیاری بودن حق آموزش، برابری آموزش از مهم‌ترین مبانی حق آموزش در حقوق اسلام بوده، به‌گونه‌ای که دین اسلام بر آن تأکید ویژه‌ای داشته است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تأسی از مبانی اسلامی، رایگان و همگانی بودن آموزش و پرورش را لازم و ضروری دانسته که این‌گونه مؤلفه‌ها در اسناد حقوق بشری هم نمایانگر است. در این پژوهش بر آنیم تا در پاسخ به این پرسش اصلی که مبانی و سازوکارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی ایران و اسناد حقوق بشری چیست با روشی توصیفی و تحلیلی و با ابزار محتوای کیفی به بررسی مبانی و سازوکارهای حمایتی قانون‌گذار از حق آموزش بپردازیم.

در خصوص موضوع این پژوهش تاکنون کتاب، مقاله با رویکرد پژوهشی و پایان‌نامه مستقلی نوشته نشده است و صرفاً چندین مقاله همایشی و روزنامه‌ای با این موضوع ارائه گردیده است. در این پژوهش با رویکرد علمی-پژوهشی به صورت جامع به موضوع نگریسته و ضمن بررسی مبانی و مؤلفه‌های حق تحصیل از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوانین عادی و اسناد حقوق بشر، به اشتراکات و افتراقات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشر پرداخته و راهکارها و پیشنهادهایی در این خصوص ارائه می‌دهیم.

در مقاله حاضر، ابتدا مفهوم حق آموزش از لحاظ لغوی، اصطلاحی و حقوقی بررسی، سپس آن را از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی تبیین و در ادامه آن را از دیدگاه اسناد حقوق بشری مورد بحث و بررسی و سازوکارهای حمایتی ارائه می‌شود.

1. مفهوم شناسی حق آموزش

حق در لغت به معنای «ثابت که انکار آن روا نباشد» و «آنچه ادای آن واجب باشد، حال واقع، حکم مطابق با واقع» هست (Soleimani Darcheh, 2014, 4). در بیان دیگر اصل «حق» مطابقت و یکسانی و هماهنگی و درستی است، مثل مطابقت پایه درب، درحالی که در پاشنه خود با استواری و درستی می‌چرخد و می‌گردد؛ اما به چند معنا به کار می‌رود: اول به معنی ایجادکننده چیزی که به سبب حکمتی آن را ایجاد کرده است؛ لذا درباره خداوند که ایجادکننده پدیده‌های عالم به مقتضای حکمت است «حق» گویند. دوم «حق» به معنای موجودی که به مقتضای حکمت ایجاد شده است؛ از این رو تمام فعل خداوند را «حق» گویند. سوم «حق» به معنای اعتقاد و باور داشتن به چیزی که آن باور با واقعیت مطابقت دارد مانند عقیده به رستاخیز، پاداش، مکافات، بهشت و دوزخ. چهارم «حق» یعنی هر کار و سخنی آن‌گونه و آن اندازه و در آن زمانی که لازم است انجام شود (Ragheb Isfahani, 1992, V.2, 413).

واژه حق در اصطلاح خاص خود در علم حقوق به معانی مختلفی به کار می‌رود و علمای حقوق تعاریف مختلفی برای آن بیان کرده‌اند. برخی حق را به معنی امتیاز و توانایی دانسته‌اند که نظام حقوقی هر جامعه برای اعضای خود به وجود می‌آورد و صاحب واقعی حق کسی است که از آن سود می‌برد؛ مانند حق مالکیت، حق ابویت، حق به نوت و ... از این لحاظ مفهوم حق، امتیازی است که به حیات و موجودیت هر موجودی تعلق دارد و هر موجودی به لحاظ موقعیت خود آن را نسبت به دیگری مطالبه می‌کند (Soleimani Darcheh, 2014, 5).

«حق» در این پژوهش، به همین معناست که معادل واژه «Right» در زبان انگلیسی است. توجه به تفاوت میان معنای واژه «حق» در ترکیب «حق بودن» و معنای واژه «حق» در ترکیب «حق داشتن» ضروری است. «حق» در ترکیب «حق بودن» به معانی گوناگونی به کار می‌رود که به آن معانی در اصطلاح فلسفی و اخلاقی اشاره گردیده است اما اصطلاح مورد نظر ما در اینجا،

معنای «حق» در ترکیب «حق داشتن» است (Ramezani, 2011, 89).

در تبیین مفهوم آموزش بایستی بیان داشت که آموزش سنگ بنای ایجاد، حفظ و پیشرفت تمام جوامع بشری است. همه انسان‌ها از هنگام تولد به گونه‌ای تحت آموزش‌های مختلف قرار می‌گیرند، زیرا تنها از این طریق است که انسان با محیط پیرامون خود آشنا شده، فرهنگ آن را می‌آموزد و جهت رفع نیازهای آن جامعه شغلی را انتخاب می‌کند. آموزش، فرآیندی است که به تعبیر یونسکو، طی آن، چهار نوع یادگیری حاصل می‌شود: یادگیری برای زندگی کردن با یکدیگر، یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن امور و یادگیری برای بودن. (Ssenyonjo, 2009, P:357) آموزش به تمام فعالیت‌هایی که به وسیله یک گروه انسانی به نسل‌هایش دانش، مهارت و قاعده اخلاقی را که آن گروه را قادر به زیستن می‌کند، منتقل می‌نماید، گفته می‌شود. (Beiter, 2006, 28-30) در بند 2 ماده 1 کنوانسیون منع تبعیض در آموزش یونسکو¹، آموزش چنین تعریف شده است: «آموزش همه انواع و سطوح آموزش را دربرمی‌گیرد و شامل دسترسی به آموزش، استانداردها و کیفیت آموزش و شرایطی است که در آن آموزش ارائه می‌شود»؛ بنابراین می‌توان در تعریف حق بر آموزش بیان داشت که آموزش امکان یا امتیازی که به موجب آن اشخاص می‌توانند از آموزش و پرورش دلخواه و شایسته برخوردار گردند (Khani Valizadeh & Lotfi, 2017, 24).

اهمیت حق آموزش در میان کلیه حقوق بشری از آنجاست که به موجب آموزش است که افراد با حقوق خود آشنا می‌شوند و چگونگی بهره‌مندی و استیفای آن را می‌آموزند. همچنین این حق یکی از حقوق توانمند ساز² هست بدین معنا که کلید استفاده از حقوق دیگر است و به افراد کمک می‌کند تا مسئولیت زندگی خود را به عهده گیرند. حقوق توانمند ساز، مشارکت در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تسهیل می‌سازد؛ به همین دلیل، پیش شرط اجرای دیگر حقوق بشر محسوب می‌شوند (Ansari, 2013, 115). تحقق حقوقی مانند حق رأی یا حق تشکیل انجمن‌ها و احزاب بدون وجود میزانی از آموزشت به سختی قابل تصور است. حتی می‌توان گفت در دنیای امروز دستیابی به حق اقتصادی و اجتماعی تا حد زیادی تحت الشعاع میزان تحصیلات و آموزش یک فرد هستند. میزان برخورداری از حق مسکن و غذا یا حق مشارکت در زندگی فرهنگی در بیشتر

1. Convention Against Discrimination in Education (1990)

2. Empowerment Right

موارد رابطه‌ای مثبت را با حق بر آموزش برقرار می‌سازند. نتیجه آن‌که حق بر آموزش مبنایی برای دستیابی به معیار استاندارد حیات است. (Beitz, 2009, 102) از همین روست که پس از جنگ جهانی دوم این حق به‌عنوان یک حق بشری مهم و توانمند ساز مطرح گشته است. حق توانمند ساز برای فرد قابلیت نظارت بر مسیر زندگی‌اش و به‌طور خاص نظارت بر دولت را فراهم می‌آورد. حق آموزش گاهی با این توجیه که شکوفایی آزادی افراد و تحقق حقوق مدنی و سیاسی به آن وابسته است و شرط اساسی و ضروری برای تحقق حقوق مذکور هست و نیز گاهی با این استدلال که یکی از حداقل‌های رفاهی افراد و از شرایط اجتناب‌ناپذیر برای زندگی توأم با کرامت انسان است که تحقق آن فقط از مجرای دولت میسر می‌باشد در زمره حقوق بشر موضوعه قرار گرفته است و در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای گوناگونی در سطح جهانی شناسایی شده است. (Ansari, 2013, 116).

این حق از جمله حقوق طبیعی به شمار می‌آید که از بعد حق بهره‌مندی افراد از آموزش و پرورش، در زمره حقوق و آزادی‌ها مصرح در نسل دوم حقوق بشر که شامل حقوق اقتصادی و اجتماعی است مطرح می‌گردد. (Zaker Salehi, 2011, 5) نسل دوم حقوق بشر یا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق مثبت انسانی است. منظور از حقوق مثبت، حقوقی است که دولت‌ها در برابر آنها تکلیف دارد و تحقق آنها منوط به اجرای آن تکلیف توسط دولت است. این نسل به‌حق مطالبه از دولت، یعنی حقوقی که به فرد حق درخواست بهره‌مندی از آنها را از دولت اعطا میکند، اطلاق می‌گردد. برخلاف حقوق نسل اول یا حقوق منفی که تحقق آنها منوط به دخالت دولت نیست، مانند آزادی بیان. چنانچه ملاحظه می‌گردد بحث آموزش مستلزم ایجاد مدرسه، تربیت معلم و امثال این موارد است که همگی نیازمند دخالت دولت است (Khani Valizadeh & Lotfi, 2017, 21).

2. مبانی حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

حق آموزش در قانون اساسی ایران در اصول مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است. در کنار بند سوم و چهارم اصل سوم و اصل سی‌ام که مهم‌ترین اصول در این راستا هستند؛ در بند یازدهم اصل سوم به تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و

تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور اشاره شده است. اصل چهل و سوم، برطرف شدن بسیاری از مشکلات جامعه را در تأمین نیازهای اساسی از جمله آموزش و پرورش دانسته است؛ علاوه بر آن، دولت بنا بر اصل یکصد و چهل و هفتم موظف شده است در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای آموزشی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند؛ بنابر اصل یکصد و پنجاه و یکم نیز دولت موظف است برای همه افراد کشور، برنامه و امکانات آموزش نظامی را برطبق موازین اسلامی فراهم سازد.

همانگونه که بیان شد بند سوم و چهارم اصل سوم و اصل سی ام ق.ا.م مهم ترین اصول مربوط به حق آموزش هستند. اصل سوم با تأکید بر اصل رایگان بودن آموزش و پرورش بیان می دارد که دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی و تقویت روح بررسی و ابتکار در همه زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان به کار برد.

اصل سی ام ق.ا.م نیز از جمله اصول مهم دیگر در زمینه بحث آموزش است. این اصل بر اصل رایگان بودن آموزش تصریح دارد و بیان می دارد که دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

در خصوص مولفه های حق آموزش در این دو اصل می توان به رایگان بودن، همگانی بودن، اجباری بودن و به عدم تبعیض در میان اتباع کشور اشاره کرد که در ادامه به بررسی و تبیین هر یک از این مولفه پرداخته می شود.

نخستین مولفه حق آموزش در قانون اساسی، «رایگان بودن» آموزش است. چنانچه ملاحظه گردید، رایگان بودن آموزش تا پایان دوره متوسطه در قانون اساسی تصریح گردیده است. حال این سوال مطرح است که آیا این تصریح به معنای ممنوعیت تأسیس مدارس غیردولتی است؟ پیش از پاسخ به این پرسش بایستی به این موضوع اشاره شود که حق بر آموزش از دو منظر قابل بررسی است. یکی حق بهره مندی افراد از آموزش و دیگری آزادی آموزش. آزادی آموزش از جمله زیر شاخه های آزادی فکر و عقیده است. آزادی آموزشی به معنای آزادی تعلیم و آموزش دیدن هست.

(Rahmatullahi & Danesh Nari, 2014, 56) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل آزادی را مورد توجه قرار داده و حفظ، گسترش و بقای آن را از وظایف دولت دانسته است. اصل وجود آزادی در دو اصل دوم و نهم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و حکومت از وضع قانون برای محدود کردن آزادی‌های مشروع منع شده است. (Harisi Nejad & Soleimani, 2016, 39)

آزادی آموزش در چهار شکل نمود پیدا می‌کند: آزادی تأسیس مدارس، آزادی انتخاب نوع آموزش و مؤسسه‌ی آموزشی، آزادی مطالب و مضامین برای یادگیری، آزادی تنظیم محتوای درسی. کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش^۱ مصوب 1960 مواردی چون ایجاد، حفظ نظام یا موسسات آموزش جداگانه را در صورتی که با تمایلات والدین و سرپرستان قانونی دانش‌آموزان وفق داشته باشد، ورود به چنین موسساتی اختیاری باشد، تعلیمات قابل ارائه در آن برابر با آموزش مصوب دولت در سایر موسسات آموزشی کشور باشد، ایجاد یا حفظ موسسات آموزشی غیر دولتی به منظور محروم ساختن گروهی خاص از آموزش و پرورش نباشد و در صورتی که مورد قبول دولت باشد به‌عنوان تبعیض تلقی نمی‌کند.

بنابراین بر مبنای اسناد بین‌المللی حقوق بشر تأسیس مدارس غیردولتی و اخذ وجه از دانش‌آموزان توسط اینگونه مدارس مغایرتی با اصل رایگان بودن آموزش ندارد؛ اما در بررسی قانون اساسی ایران ملاحظه می‌گردد که در خصوص امکان تأسیس مدارس غیردولتی به صراحت سخنی به میان نیامده است و منطوق اصول سوم و سی ام ق.ا. موجب برداشت‌های متفاوت گردیده است. در بررسی صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی تدوین قانون اساسی ملاحظه می‌گردد که اصل رایگان بودن آموزش به‌عنوان ابزاری برای مقابله با بی‌سوادی در نظر گرفته شده است. در کنار موضوع ریشه کن کردن بی‌سوادی، بحث سواد اجباری نیز مدنظر تدوین‌کنندگان قانون اساسی بوده است لکن در متن قانون اساسی در خصوص اجباری بودن سوادآموزی پرورش سخنی به میان نیامده است: «در زمینه آموزش و پرورش یک مسئله مورد ابتلا داریم و آن مسئله بی‌سوادی و کم‌سوادی است که بیشتر کشورها مبتلا به آن هستند و کشورهای دنیا برای رفع بی‌سوادی و کم‌سوادی علاوه بر رایگان بودن آن به جنبه‌ی الزامی آن نیز توجه کرده‌اند. اگر ما بخواهیم در مملکت خودمان بی‌سوادی از بین برود، فرع بر این است که علاوه بر رایگان بودن الزام باشد که تا یک حدی هم باید باسواد باشند و این را برای

خودشان یک حق و وظیفه بدانند، چون ممکن است مردم از این حق خودشان غافل شوند و به علل اقتصادی نخواهند حق خودشان را بگیرند. آیا این اصل می‌رساند که تعلیم و تربیت رایگان باشد و غیر رایگان در مملکت وجود نداشته باشد؟ درست است که اثبات است و نفی ما عدا نمی‌کند، اما ممکن است در آینده به تحصیلات رایگان که یک نوع آزادی برای افراد است تمسک کنند و جلو افرادی را که می‌خواهند دبستانی با سلیقه‌ی شخصی و خدمات مالی و انسانی خودشان درست کنند را با تمسک به همین اصل گرفته و جلوی احداث دبیرستان‌ها و دبستان‌های ملی را بگیرند» (Detailed form of constitutional negotiations, 1985, 789-787).

با توجه به نظرات فوق می‌توان بیان داشت که آزادی تأسیس مؤسسات آموزشی و آزادی انتخاب نوع آموزش، در صورتیکه توأمان در جامعه وجود داشته باشند و حق بهره‌مندی افراد از آنها نیز به صراحت تضمین شده باشد، علاوه بر آنکه حق بر آموزش در آن جامعه به کاملترین شکل خود صورت پذیرفته، بستر آزادی‌های دیگر نظیر آزادی اطلاعات، آزاد فکر و عقیده و نیز آزاد بیان فراهم گردیده است (Khani Valizadeh & Lotfi, 2017, 24)؛ بنابراین پذیرش وجود مدارس غیردولتی در نظام آموزش و پرورش ایران امری مبتنی بر اصل آزادی آموزش در اسلام و اقدامی معقول و منطبق با مبانی حقوق بشری است.

مولفه دوم حق آموزش در قانون اساسی «همگانی بودن» آن است. بدین معنا که کلیه افرادی که در یک کشور ساکن هستند حق برخورداری از آموزش رایگان را دارا می‌باشند. در تبیین این این موضوع لازم است ابتدا بدین پرسش پاسخ داده شود که آیا آموزش جزء حقوق بشر است یا حقوق شهروندی؟ در پاسخ بدین پرسش چنانچه آموزش را جزء حقوق بشر بدانیم، با توجه به اینکه حقوق بشر برای هر انسانی به رسمیت شناخته شده است و هر انسانی در هر نقطه‌ای از جهان می‌تواند از حقوق بشری بهره‌برد و حقوق بشری او رعایت شود؛ اما چنانچه آموزش را جزء حقوق شهروندی بدانیم با توجه به اینکه حقوق شهروندی به افرادی تعلق می‌یابد که تابعیت یک کشور داشته باشند، افرادی که تابعیت کشور ایران را نداشته باشند، از حق آموزش رایگان مصرح در قانون اساسی برخوردار نخواهند بود. بررسی اسناد بین‌المللی ناظر بر حق آموزش بیانگر آن است که حق آموزش به‌عنوان یک حق بشری مطرح شده است نه حق شهروندی و مبتنی بر تابعیت.

در خصوص اینکه در قانون اساسی ایران حق آموزش به‌عنوان یک حق بشری مورد توجه

قرارگرفته یا حق شهروندی اختلاف نظر وجود دارد. برخی بر این عقیده اند که حق بر آموزش برای نوع بشر است نه بشر منسوب به یک محدوده جغرافیایی لذا ازجمله حقوق بشری هست نه حقوق شهروندی و در قانون اساسی بدون هیچ قیدی با اطلاق عبارت «برای همه» در اصل سوم به رسمیت شناخته شده است. ازجمله آثاری که این نظر خواهد داشت آن است که اعمال محدودیت بر آن بسیار دشوارتر از اعمال محدودیت در یک حق شهروندی است و دولت در تخصیص حق بر آموزش نسبت به همه افراد ملت به طور مطلق مکلف است (Khani Valizadeh & Lotfi, 2017, 27-28).

اما گروهی دیگر بر این عقیده اند که اصل سی ام ق.ا که ناظر بر رایگان بودن تحصیلات تا پایان دوره متوسطه است صرفاً شامل اتباع ایران است و این امر از تفسیر لفظی اصل مذکور مستفاد می‌گردد.

در بررسی نظرات فوق می‌توان بیان داشت که اصل سوم قانون اساسی دارای مبنایی حقوق بشری است و این تکلیف را به دولت می‌دهد که وسایل و امکانات تحصیل را برای همگان فراهم کند، برخلاف اصل سی ام قانون اساسی که حق برخورداری از آموزش رایگان را به‌عنوان حقوق شهروندی مطرح می‌کند. با توجه به اینکه در سایر اصول قانون اساسی که در مبحث مولفه منع تبعیض در حق آموزش بیان گردید، موضوع ممنوعیت اعمال تبعیض در برخورداری افراد از حقوق انسانی مطرح گردیده است و با توجه به اینکه در معاهدات بین‌المللی حقوق بشری که ایران نیز به عضویت آنها در آمده است، حق آموزش به‌عنوان حق بشری تلقی شده است، دولت مکلف است تا آموزش رایگان را برای کلیه افراد ساکن در ایران رعایت کند.

مولفه دیگری که می‌توان از آن نام برد «اجباری بودن» تحصیلات تا پایان دوره متوسطه است. در خصوص مبنای اجبار در بهره‌مندی از حق آموزش بایستی بیان داشت که همانگونه که نمی‌توان هیچکس را به زور و اجبار از حقی محروم نمود، همچنین نمی‌توان او را مجبور به بهره‌مندی از حقی کرد و درحقیقت، چندان با حق بودن آن سازگار نیست؛ اما این امر مطلق نبوده و اهداف توسعه گرایانه و لزوم ایجاد انسجام ملی می‌تواند این اجبار را توجیه نماید. اجباری بودن تحصیلات ابتدایی حاکی از اهمیت فوق‌العاده حق بر آموزش در سطوح پایه و اساسی است چرا که آموزش در این سطوح علاوه بر اینکه فرد را آماده یادگیری آموزه‌های بالاتر و کاربردی تر می‌کند یکی از معضلات

اساسی جوامع یعنی بی سوادی را نیز برطرف می‌سازد. لذا حق در آموزش و پرورش اجباری ایجاب می‌کند که اولیا اطفال الزاماً نوباوگان خود را از سنین معین و برای مدت مشخصی به مدرسه بسپارند (Khani Valizadeh & Lotfi, 2017, 33-34) دولت باید این الزام را ایجاد کند که هر فردی در ایران هست حداقل تا پایان مقطع ابتدایی آموزش ببیند.

بنظر می‌رسد قانون اساسی ایران آموزش رایگان و همگانی را صرفاً به‌عنوان حق شهروندان تلقی نموده است نه تکلیف آنان؛ بنابراین در صورت عدم بهره‌گیری شهروندان بصورت خواسته یا ناخواسته از آموزش، قواعد تکلیفی و اجبار کننده بایستی در قانون عادی پیش بینی گردد (Hosseini Pilehroud, 2018). در قوانین مصوب قبل از انقلاب اسلامی در سال 1322 «قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی» به تصویب مجلس وقت رسید و به‌موجب آن، دولت مکلف شد ظرف 10 سال از تاریخ تصویب قانون، آموزش و پرورش ابتدایی را در سراسر کشور به تدریج عمومی و اجباری سازد.

در سال 1353، قانون «تامین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» به تصویب رسید و در ماده یک آن تصریح شد: «تمامی اطفال و جوانان ایرانی که واجد شرایط تحصیل هستند باید بدون هیچ‌گونه مانعی به تحصیل بپردازند و هیچ‌کس نمی‌تواند آنان را از تحصیل باز دارد، جز با مجوز قانونی» و والدین و سرپرستان قانونی نوجوانان کمتر از 18 سال، مکلف به ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل فرزند و کودک سرپرستی خویش در مدارس شدند و مقرر شد در صورتی که والدین یا سرپرستان قانونی، از این تکلیف سر باز زنند، وزارت آموزش و پرورش درخصوص ثبت نام آنها به‌صورت مجانی اقدام خواهد کرد. پس از انقلاب اسلامی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب 1381، ممانعت از تحصیل کودکان را جرم‌انگاری کرد و برای آن مجازات حبس و جزای نقدی پیش‌بینی شد. در قانون برنامه چهارم توسعه مصوب 1383 بر امر آموزش و اجباری کردن آن تا پایان دوره راهنمایی تا پایان سال آخر برنامه تاکید شد.

علیرغم وجود مبانی قانونی در خصوص اجباری کردن آموزش بدلیل عدم پیش بینی ضمانت اجرای مناسب و قابل اجرا در قوانین مذکور موجب گردید تا عملاً اجباری بودن آموزش اجرایی نگردد و والدین در صورت عدم ثبت نام فرزندان در مدارس با مجازاتی مواجه نباشند.

آخرین مولفه حق آموزش در قانون اساسی، «عدم تبعیض» در میان اتباع کشور در بهره‌مندی از

حق آموزش است. به کارگیری عبارت «برای همه» در بند سه اصل سوم و «برای همه‌ی ملت» در اصل سی‌ام، ذهن را به این سو متمایل می‌کند که قانون اساسی به حق آموزش و پرورش برای همه‌ی اتباع کشور معتقد است و تبعیض در میان اتباع کشور را روا نمی‌دارد. هر چند افراد نیز هر کدام بر حسب استعدادها و شایستگی‌های خود به میزان‌های متفاوتی از این امکان بهره‌مند می‌شوند (Mehrpour, 2012, 73). توجه به سایر اصول قانون اساسی که بر منع تبعیض در برخورداری از حقوق اشاره می‌نماید نیز تاییدی بر ادعای فوق است. اصولی نظیر اصل نوزدهم ق.ا: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود» و اصل بیستم ق.ا: «همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند» این نکته را آشکار می‌سازد که قانون اساسی با ایجاد تبعیض ناروا مقابله نموده و راه توجیه آن را مسدود نموده است. به موجب این قانون تمام محدودیت‌ها و محرومیت‌ها در برخورداری ملت از حقوق و آزادی‌ها برداشته و راه را برای هرگونه اقدام تبعیض آمیزی بسته است. پس می‌توان بیان کرد، هیچ ممنوعیت و محدودیت قانونی برای آموزش و پرورش از نظر سن، جنس و قومیت و عقاید دینی و مذهبی وجود ندارد.

3. حق آموزش در قوانین عادی

از آنجایی که قوانین مربوط به حق آموزش نمایانگر رویکرد جمهوری اسلامی به مسئله‌ی آموزش است در این بخش از پژوهش به بررسی قوانین مربوطه خواهیم پرداخت. اساسنامه‌ی نهضت سوادآموزی جمهوری اسلامی مصوب 1363 مجلس شورای اسلامی نخستین قانونی است که می‌توان در زمینه قوانین داخلی که بعد از انقلاب اسلامی به تصویب رسیده است؛ بدان اشاره کرد. در ماده 1 این قانون هدف از تاسیس سازمان نهضت سوادآموزی چنین بیان گردیده آمده است: «نهضت سوادآموزی سازمانی است وابسته به وزارت آموزش و پرورش که به منظور ریشه‌کن ساختن بی‌سوادی با توجه به ماده 8 انجام وظیفه می‌نماید». وظایف نهضت عبارت است از آموزش بزرگسالان در حد خواندن و نوشتن و آموختن حساب و تربیت و بالا بردن سطح فرهنگ و نشر فرهنگ اسلامی مناسب با سوادآموزان در محدوده ضوابط نهضت سوادآموزی. به موجب این

قانون کلیه ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلابی موظف گردیدند تا کلیه امکانات خود را در صورتی که وقفه‌ای در وظایف ایشان وارد نیاید، در اختیار نهضت قرار دهند و نهضت هم موظف است از همه امکانات استفاده کند.

قانون دیگری که بایستی بدان اشاره گردد قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب 1368 مجلس شورای اسلامی است. این قانون یک قانون سازمان‌دهنده است و در جهت تحقق اصولی از قانون اساسی است که به آموزش و پرورش اهتمام داشته است. به موجب این قانون آموزش و پرورش به دو بخش کلی آموزش عمومی و آموزش نیمه تخصصی تقسیم شده و وزارت آموزش و پرورش عهده‌دار اجرای آن شده است. آموزش عمومی شامل ایجاد مهارت لازم در امر خواندن و نوشتن، آموزش مبانی اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، علمی و هنری در حدی که هر فرد به طور عام به آن احتیاج دارد. آموزش نیمه تخصصی نیز به دو بخش علمی و عملی - تقسیم شده است.

در ماده 5 این قانون بحث آموزش فارغ از جنسیت پذیرفته شده است: «برخورداری از آموزش‌های عمومی برای کلیه دانش‌آموزان کشور باید به گونه‌ای باشد که بر حسب استعداد و جنس بتواند از تعلیمات مناسب جهت شکوفایی خلاقیت‌ها بهره‌مند شوند». این ماده اشاره‌ی صریحی به بحث جنسیت در امر آموزش دارد و در واقع آزادی آموزش را فارغ از جنسیت می‌پذیرد.

از دیگر قوانین مرتبط با آموزش و پرورش قانون برنامه‌ی چهارم توسعه است که با تأکید مجدد بر امر آموزش و اجباری کردن آن تا پایان دوره‌ی راهنمایی، بر این نکته توجه دارد که دولت می‌بایست به تناسب تأمین امکانات، شرایطی را پدید آورد که به تدریج در مناطقی که آموزش و پرورش اعلام می‌کند تا پایان برنامه‌ی چهارم امر آموزش اجباری محقق گردد. علاوه بر آن هیئت دولت در آئین‌نامه مصوب 83/5/2 بر امر آموزش تا پایان دوره‌ی راهنمایی تأکید و مقررهای به تصویب رسانده است. در ماده‌ی 2 آیین‌نامه‌ی مزبور آمده است که وزارت آموزش و پرورش موظف است با همکاری شوراهای اسلامی شهر و روستا، افراد مشمول این آیین‌نامه را که از ادامه‌ی تحصیل بازمانده‌اند شناسایی و امکان ثبت‌نام و ادامه‌ی تحصیل آن‌ها را فراهم نماید.

در قانون برنامه‌ی پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران نیز حق آموزش مورد تأکید قرار می‌گیرد. بند ج از ماده 19 قانون مذکور بیان می‌دارد: «آموزش و پرورش مجاز است در حدود مقرر در اصل 15

ق.ا. گویش محلی و ادبیات بومی را در مدارس تقویت نماید و در کنار برنامه‌های آموزش ملی به آموزش محلی نیز توجه شود».

از دیگر مصوبات مربوط به آموزش و پرورش سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش و سند نقشه جامع علمی کشور است که از جمله‌ی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی هستند.

در سند نقشه جامع علمی کشور در قسمت اهداف بخشی نظام علم، فناوری و نوآوری کشور، دستیابی آحاد جامعه به سطح مناسب دانش عمومی و از بین رفتن بیسوادی را بیان شده است. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز بر گسترش عدالت آموزشی و رفع بی سوادی تاکید شده است.

منشور حقوق شهروندی از دیگر اسناد مهم در حمایت از حق آموزش و پرورش است. در این منشور حق آموزش به‌عنوان یکی از حقوق مسلم ملت به رسمیت شناخته شده است و نسبت به قانون اساسی به جنبه‌های بیشتری از حق بر آموزش اشاره شده است. با توجه به مفاد منشور می‌توان امیدوار بود که اعمال محدودیت نسبت به حق بر آموزش به همه افراد ملت دشوارتر از گذشته شود و این حق در شکل بهتر و کاملتری در جامعه ایفا گردد (Khani Valizadeh & Lotfi, 2017, 38).

در این سند در ذیل بند «ظ» حق آموزش و پرورش مورد تاکید قرار گرفته است. در ماده 104 این منشور بیان گردیده است که: «شهروندان از حق آموزش برخوردارند. آموزش ابتدایی اجباری و رایگان است. دولت زمینه دسترسی به آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه را فراهم می‌سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد نیاز و ضرورت کشور به‌طور رایگان گسترش می‌دهد. دولت آموزش پایه را برای افراد فاقد آموزش ابتدایی فراهم می‌آورد».

لازم به ذکر است که اهمیت و توجه به حق آموزش در قوانین عادی در نظام حقوقی ایران به حدی است که دولت برای اصلاح شخصیت مجرمان و بازگرداندن آنان به یک زندگی شرافتمندانه با گسترش آموزش و پرورش در زندان‌ها و موسسات وابسته به آنها گامی جهت اصلاح بزهکاران برداشته و در آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب 1384 فراگیری سواد و ادامه تحصیلات علمی، دینی و حرفه زندانیان مورد تاکید قرار داده است.

از مجموع قوانین داخلی درباره‌ی آموزش و پرورش این نتیجه حاصل می‌آید که علاوه بر توجه قانون‌گذار اساسی به این مسئله، قانون‌گذار عادی نیز توجه خاصی را به این موضوع داشته است. معیارهایی که برای دو مفهوم حق و آزادی آموزش بیان شد در این قوانین به خوبی گنجانده شده است.

4. وظایف دولت در برابر حق آموزش

حق بر آموزش نیازمند مشارکت دولت در فراهم کردن بسترهای لازم جهت بهره‌مندی همه افراد ملت از این حق است با توجه به اینکه حق بر آموزش حقی است که سلب آن ممکن نیست، تغییر و پایان نمی‌پذیرد و غیر قابل انتقال است. هر فرد حق مطالبه آن را از دولت متبوع خویش و با نگاهی آرمانی، از تمامی دولت‌ها دارد. از این رو وظیفه دولت هاست که موانع پیش روی افراد را در مسیر تحقق این حق را برطرف کرده و تمام امکانات و تلاش خود را برای رسیدن به این هدف به کار گیرند و از دست زدن به اعمال محدودیت‌های مصلحت‌جویانه خودداری کنند (Khani Valizadeh & Lotfi, 2017, 22-39).

بر مبنای اصول قانون اساسی ایران می‌توان بیان داشت که دولت در راستای حق آموزش وظیفه دارد در ضمن اینکه وسایل و محیط آموزشی رایگان را مهیا نماید، شرایط را به گونه‌ای فراهم نماید که هیچ کس از هیچ قشری به دلیل فقر و ناداری از نعمت دانش‌اندوزی بی‌بهره نماند (Shabani, 2015, 86). از سوی دیگر این فضاهای آموزشی باید دارای شرایط صحیح ایمنی، بهداشتی و استانداردهای پذیرفته شده باشند (Tabatabai Motameni, 2020, 71). علاوه بر این دسترسی فیزیکی و اقتصادی به نهادهای آموزشی نیز تکلیفی است که دولت در راستای اجرای حق بر آموزش مکلف است نسبت به مردم خویش انجام دهد.

همچنین دولت موظف است که فضای آموزشی لازم و سایر امکانات، نظیر استاد، آزمایشگاه، منابع تحقیقات و ... را برای سطوح آموزش عالی فراهم نماید تا هر کس که مستعد برای حضور در مقاطع بالاتر و تحصیل مراتب علمی ویژه است بتواند به این مرتبه دست یابد (Shabani, 2015, 86) و دولت نیز از دانش این فرد در راستای خودکفایی کشور استفاده نماید. مربیان و معلمان که با این مراکز مرتبطند باید از حد‌اعلای صلاحیت‌های علمی، اخلاقی و دیگر استانداردها برخوردار باشند.

نکته دیگری که بایستی بدان توجه شود آن است که برای ایجاد تقویت فرهنگ حقوق بشر از طریق آموزش آن، دولت باید در اولین گام با مصمم به ایجاد تغییرات مشخص در نحوه آموزش رسمی خود گردد. هرچند قوانین اساسی و عادی در مورد آموزش حقوق بشر ساکت است لکن با عنایت به عضویت ایران در میثاقین 1966 حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه 1993 وین و صراحت این متون به آموزش حقوق بشر، با توجه به ضرورت آموزش حقوق بشر و شهروندی

به‌عنوان زمینه ساز فرهنگی و با توجه به تأثیر قابل توجه اقدامات مؤثر در جهت آموزش حقوق بشر در ارزیابی سازمانهای بین‌المللی از پیشرفت رعایت حقوق بشر در یک کشور و باتوجه به استقبال و تمایل دولت ایران از گنجاندن موازین بین‌المللی حقوق بشر در برنامه دروس دانشگاهها به نظر میرسد تدوین و اجرای «طرح ملی آموزش حقوق بشر» را توجیه و ایجاب می‌نماید. البته، اینکه طرح مذکور تاکنون اجرا نشده، اما برخی از حقوق بشر در جمهوری اسلامی از راههای مناسب، اشاعه، منتشر و ترویج شده است. ترویج حقوق بشر مندرج در قانون اساسی و قوانین عادی (که اغلب مقید به احکام و موازین اسلامی شده) از جمله، حقوق مربوط به حاکمیت قانون، اصول اساسی دموکراسی مثل آزادی احزاب، انتخابات، حق رأی آزاد و برابر، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات و راهپیمایی، نیز حقوق ملت مندرج در فصل سوم قانون اساسی، مانند برابری و تساوی همگانی در بهره‌مندی از حقوق، تساوی همگانی در برابر قانون و رفع و منع هرگونه تبعیض، منع تفتیش عقاید، آزادی اقلیت های دینی و مذهبی، آموزش و پرورش رایگان و همگانی، حق دادخواهی و انتخاب وکیل و... از آن جمله است. انتشار از طریق کتب و نشریات، رسانه های مکتوب و مجازی، رادیو و تلویزیون، آموزش در مدارس، دانشگاه ها و مراکز علمی آموزشی یا برنامه های ضمن خدمت کارمندان دولتی، تضمین اصول مذکور از راه قانون گذاری و اجرا و... از راه های آموزش، ترویج و اشاعه حقوق مذکور بوده است.

هرچند قوانین اساسی و عادی در مورد آموزش حقوق بشر ساکت است، لکن با توجه به اینکه ایران به عضویت عمده معاهدات حقوق بشری درآمده است که به‌موجب آنها حق بر آموزش به رسمیت شناخته شده است، مانند عضویتش در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش یونسکو که به‌طور طبیعی التزام به این امر را برای دولت به همراه دارد شایسته است تا اقدام مقتضی جهت ایجاد طرح ملی آموزش حقوق بشر صورت پذیرد. شایان ذکر است که بسیاری از حقوق بشر، از جمله، حقوق اساسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در میان مطالب کتابهای درسی آموزش ابتدایی و متوسطه گنجانده شده و به‌صورت رسمی به دانش آموزان آموخته می‌شود لکن به نظر می‌رسد اختصاص دروس رسمی با توجه به مولفه های حقوق بشری تحت عنوان «آموزش حقوق بشر» در دوره های رسمی مقاطع تحصیلی پایه و متوسطه و همچنین گنجاندن دروس آموزش حقوق بشر و حقوق شهروندی در دوره های رسمی

مقاطع آموزش عالی به‌عنوان یکی از دروس عمومی و آموزشهای ضمن خدمت به کارمندان اقدام مناسبی در راستای محقق ساختن حقوق بشری است.

5. حق آموزش در اسناد بین‌المللی

حق آموزش در اسناد مختلف بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. در میان این اسناد می‌توان به نه سند بین‌المللی که به شکل کنوانسیون، اعلامیه یا بیانیه صادر شده است به‌عنوان بخشی از میراث جهانی حق آموزش اشاره کرد. اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره، کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش، کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ملل متحد، کنوانسیون حقوق کودک، کنفرانس بین‌المللی یونسکو در خصوص جوانان، بیانیه نشست وزرای مسئول جوانان کشورهای مشترک المنافع، اعلامیه جهانی آموزش برای همه. لازم به ذکر است جمهوری اسلامی ایران کلیه اسناد فوق را را امضا نکرده است لکن اسناد و کنوانسیونهایی که بدان‌ها نپیوسته است چنانچه به مرحله عرف بین‌المللی رسیده باشند لازم‌الاتباع هستند (Zaker Salehi, 2011, 5).

مهم‌ترین موادی که می‌توان در بیان حق آموزش در میان اسناد فوق بدان اشاره کرد موادی از اعلامیه جهانی حقوق بشر میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش است که در ادامه بدانها اشاره می‌نماییم.

در بین اسناد فوق مواد 26 و 27 اعلامیه جهانی حقوق بشر حق بر آموزش و پرورش را برای افراد به رسمیت می‌شناسد... ماده 26 اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره حق بر آموزش چنین اعلام می‌دارد: «هر کس حق دارد از آموزش و پرورش برخوردار شود، آموزش و پرورش حداقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است آموزش فنی و حرفه‌ای نیز می‌بایست قابل دسترس برای همه مردم بوده و دستیابی به آموزش عالی به شکلی برابر برای تمامی افراد و بر پایه شایستگی‌های فردی صورت پذیرد...»

در ماده 1 و 2 اعلامیه هم مطرح شده است که حقوق مندرج در اعلامیه بدون تبعیض باید برای همگان اجرا شود.

حق بر آموزش در ماده 13 میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1966) نیز به رسمیت

شناخته شده است: «دولت‌های عضو این میثاق حق هر فرد را جهت برخورداری از آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. آنها می‌پذیرند که آموزش و پرورش در جهت توسعه کامل شخصیت و کرامت انسان و احترام فرد به حق بشر و آزادی‌های اساسی تقویت و هدایت شود». در بند 2 مطرح می‌شود که «آموزش و پرورش ابتدایی باید اجباری و به‌طور رایگان در دسترس عموم باشد و آموزش و پرورش متوسطه به اشکال مختلف تعمیم یابد». لازم به ذکر است که تصویب میثاق اخیرالذکر در نگاه به موضوع آموزش تحول ایجاد کرد و مسئولیت آموزش را از عهده والدین به دولت انتقال داد. علیرغم این موضوع همچنان به موجب بند 3 ماده 13 والدین حق دارند نسبت به نوع آموزشی که به کودکانشان می‌دهند دست به انتخاب بزنند. در این بند بیان می‌شود که «آزادی والدین یا سرپرست قانونی کودک در انتخاب مدارس غیردولتی برای کودکانشان رعایت شود، مشروط بر اینکه حداقل استانداردهای دولتی را دارا باشند. آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان هم مطابق با اعتقادات شخصی والدین تأمین شود» هم چنین ماده 14 این میثاق دولت‌های عقب مانده در این موضوع را مکلف می‌کند که ظرف دو سال آموزش و پرورش ابتدایی اجباری را محقق سازند.

مبنای این تحول در این مساله است که دیگر نمیتوان به آموزش فقط به‌عنوان حق آزادی فرد نگاه کرد چراکه فرد آموزش ندیده نه تنها برای خود مشکل ایجاد می‌نماید، بلکه برای جامعه نیز دردسرسازست. پس آموزش از یک سو حق افراد و از سوی دیگر، حق جامعه است. ک‌بنابرین، در چارچوب حقوق بشر معاصر حق بر آموزش هم یک حق منفی و هم یک حق مثبت است و از یک سو حق حمایتی و از سوی دیگر، یک آزادی انتخاب است. (Zaker Salehi, 2011, 9) از این رو میثاق حقوق اقتصادی - اجتماعی هم تعهدات منفی را بر دولت‌ها بار می‌کند و هم تعهدات مثبت¹ که نشان می‌دهد تدوین کنندگان حق بر آموزش در تدوین این حق به هر دو نسل حقوق بشر توجه داشته اند. دولت‌ها مکلفند که میزان دسترسی به امکانات تحصیلی را تا اندازه کافی ارتقاء بخشند و تسهیلات لازم برای شرایط مناسب آموزشی را فراهم آورند.

همچنین دولت‌ها باید به اشخاص حقیقی و حقوقی نیز اجازه دهند تا آزادانه نهادهای آموزشی را تأسیس نمایند (Wellman, 1985, 236)

ماده 3 میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به حتی برخورداری هر

1. UNCESCR, General Comment No. 13, On The Right to Education, UN Doc, EC, 4/1999/12, para7

شخص از آموزشی اشاره دارد: «کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به آموزش و پرورش به رسمیت می شناسند. کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمو کامل شخصیت انسانی و اساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی های سیاسی باشد. علاوه بر این کشورهای طرف میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ی ملل و کلیه ی گروه های نژادی، قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه ی فعالیتهای سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید».

در ماده 5 کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش بر اصل عدم تبعیض در برخورداری از حق آموزش تاکید شده است و با یاد آوری تاکید اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اصل عدم تبعیض، ضمن اعلام محق بودن افراد در برخورداری از آموزش و پرورش اذعان می دارد آموزش باید تفاهم، تسامح و دوستی بین همه ملتها، گروه های نژادی یا دینی را ترغیب و ترویج و فعالیت های سازمان ملل را برای حفظ صلح بیشتر کند.

6. سازوکارهای حمایتی و ضمانت اجرای اسناد حقوق بشری از حق آموزش

در اسناد بین المللی که در آنها حق آموزش به رسمیت شناخته شده است سازوکارهایی نیز در راستای حمایت از این حق بیان شده است. ایجاد فضای مناسب روحی و روانی با ایجاد امنیت کامل در راستای آموزش افراد که در آن که شخصیت انسانی هر کس را به حد اکمل رشد برسد از جمله سازوکارهای حمایتی از حق آموزش است که برای ایجاد آن دولت ها بایستی به گونه ای نظام آموزش و پرورش را هدایت کنند که در بستر آن مواردی چون: 1- پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانایی های ذهنی و جسمی کودکان، 2- توسعه احترام به حق بشر 3- توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزشهای ملی کشوری که در آن زندگی می کند، 4- آماده نمودن کودک برای داشتن زندگی مسؤولانه در جامعه ای آزاد و با روحیه ای مملو از تفاهم، گذشت 5- احترام عقاید مخالف 6- دوستی بین تمام ملل و جمعیت های نژادی یا مذهبی 7- توسعه فعالیت های ملل متحد را در راه حفظ صلح، تسهیل شود.

تأسیس مهدهای کودک، اعطای مجوز برای راه اندازی آنها توسط بخش خصوصی و اعمال

نظارت دولت و سایر مراکز مرتبط همگی در راستای ایجاد فضای مناسب که مقدمه فضا سازی مناسب روحی و روانی همراه با امنیت کامل هست، تعریف شده است. ایجاد مراکز مناسب آموزشی برای بهره‌مندی کلیه افراد از آموزش و پرورش ابتدایی اجباری و تحصیل رایگان از دیگر سازوکارهای حمایتی محسوب می‌شود. به علاوه اشکال مختلف آموزش و پرورش فنی از جمله آموزش حرفه ای متوسطه و عالی تعمیم یابد. چنانچه بیان گردید در اسناد بین المللی آموزش ابتدایی رایگان و اجباری بر عهده دولت ها بوده و برای اجرای آن ضرب العجل تعیین گشته است. در به سر انجام رساندن این حق بنیادین، دولت ها باید حق بر آموزش را طبق استانداردها و معاهدات بین المللی به رسمیت بشناسند. مطالبه از دولت ها در کوتاهشان در ایفای حق بر آموزش علاوه بر قوانین خاص حاکم بر حق بر آموزش، از قوانین حقوق بشری عام پیروی می‌کند (Hatami & Zahedi, 2017, 57).

نتیجه گیری

در قانون اساسی ایران حق آموزش به رسمیت شناخته شده و دولت مکلف به ارائه آموزش رایگان و همگانی گردیده است. در راستای انجام این تکلیف، قانون مدارس را مکلف به ثبت نام رایگان دانش آموزان کرده است؛ هرچند به نظر می‌رسد تکلیف دولت به آموزش و پرورش رایگان در قانون اساسی منحصر به ثبت نام رایگان نمی‌باشد و متضمن امکانات جانبی رایگان برای تحصیل از جمله کتاب، لوازم التحریر و تغذیه که از لوازم ضروری تحصیل هستند نیز هست. علیرغم وجود مبنای قانونی آموزش رایگان، نظارت ضعیف و مقتضیات زمان موجب عدم اجرای صحیح قوانین مذکور گردیده است و در عمل، مدارس به دلایلی مختلف وجوهی را از دانش آموزان اخذ می‌کنند. مساله رایگان بودن آموزش بویژه در شرایط پاندمی کرونا بیش از پیش اهمیت یافته است؛ زیرا به دلیل عدم امکان حضور فیزیکی دانش آموزان در مدارس دولت اقدام به ارائه آموزش مجازی نموده است. آموزش از طریق فضای مجازی نیز مستلزم امکاناتی است که حداقل آن داشتن تلفن همراه هوشمند و اینترنت است که با توجه به مشکلات اقتصادی، برخی خانواده‌ها

امکان دسترسی به امکانات حداقلی بهره‌مندی از آموزش مجازی را ندارند؛ بنابراین با توجه به تکلیف دولت به ارائه آموزش رایگان لازم است تا دولت اقدامات لازم در خصوص بهره‌مندی دانش آموزان نیازمند از آموزش مجازی را فراهم آورد.

در خصوص اجباری بودن آموزش در مقطع ابتدایی هرچند در قانون اساسی ایران صراحتاً به این موضوع اشاره نشده است لکن در قوانین و مقررات داخلی و نیز اسناد بین‌المللی که ایران آنها را امضا کرده است بر اجباری بودن آموزش تأکید شده است. عدم وجود ضمانت اجرای مناسب و نبود خواست واقعی مسئولان برای اعمال ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در قوانین موجود، موجب اجرایی نشدن این قوانین گردیده است. لذا پیشنهاد می‌گردد دولت از طریق تنظیم و ارائه «لایحه تحصیلات اجباری» به مجلس، زمینه تصویب قانونی جامع در این زمینه را با بهره‌گیری از ظرفیت دستگاه‌های اجرایی درگیر در موضوع فراهم نموده و با پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسب و عملی این امر مهم را محقق سازد. در این راستا لازم است آموزش تا پایان دوره ابتدایی برای تمامی شهروندان اجباری گردد. در راستای پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسب، پیشنهاد می‌گردد به‌موجب لایحه مذکور والدین و سرپرستان قانونی کودکان لازم‌التعلیم 6 تا 11 سال مکلف گردند نسبت به ثبت نام کودک خود در مدارس رسمی دارای مجوز وزارت آموزش و پرورش اقدام نمایند و در صورت استنکاف با وجود فراهم بودن شرایط به جزای نقدی محکوم شوند. همچنین لازم است صدور و تمدید گواهینامه رانندگی برای افراد بی‌سواد پس از سه سال از زمان لازم‌الاجرا شدن قانون، منوط به اخذ و ارائه مدرک تحصیلی پایان دوره ابتدایی یا معادل آن در سوادآموزی باشد. شایسته است کلیه مراجع صدور مجوز و پروانه فعالیت اعم از دستگاه‌های اجرایی، اتحادیه‌های صنفی و غیره مکلف گردند افراد بی‌سواد متقاضی اخذ یا تمدید پروانه کسب را برای آموزش به سازمان نهضت سوادآموزی معرفی و یا راساً با هماهنگی سازمان نهضت سوادآموزی نسبت به آموزش آنان اقدام نمایند. صدور و تمدید جواز و پروانه کسب برای اینگونه افراد پس از 3 سال از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون، منوط به اخذ و ارائه مدرک تحصیلی حداقل دوره ابتدایی یا معادل آن گردد.

در راستای محقق ساختن امر همگانی بودن آموزش در خصوص اتباع خارجی پیشنهاد می‌شود

مقرر گردد که اتباع خارجی موظفند بر اساس مقررات آموزش و پرورش نسبت به ثبت نام و آموزش کودکان لازم التعلیم خود در مدارس رسمی و دارای مجوز، اقدام نمایند. پیشنهاد می‌گردد در راستای حمایت از کودکان نیازمند در لایحه پیشنهادی مقرر گردد که در صورت عدم تمکن والدین و سرپرستان قانونی، به تشخیص دادستان، وزارت آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی مکلفند امکانات لازم را برای تحصیل اطفال و نوجوانان فراهم نمایند.

با توجه به اینکه امروزه تحصیل در معنای واقعی خود فقط سواد خواندن و نوشتن نمی‌باشد؛ آماده سازی کودک برای زندگی آینده و آگاه سازی از چگونگی زندگی با مدارا و صلح با سایر افراد از هر قوم و نژاد، از اهداف اصلی حق بر آموزش هست؛ بنابراین بالا بردن کیفیت آموزش و گنجاندن آموزش حقوق بشر و حقوق شهروندی در مطالب درسی جهت رساندن کودکان به اهداف اصلی حق بر آموزش پیشنهاد می‌گردد در نظام آموزشی کشور به رسمیت شناخته شود.

References

- Abbasi, Bijan. (2011). Human Rights and Fundamental Freedom, Tehran: Dadgostar Publishing, First Edition. [In Persian].
- Ansari, Baqer. (2013). The right of the child to education in the international human rights system, Journal of Islamic Law, Year 10, Number 36, pp. 145-115. [In Persian].
- Beitz, Charles R. (2009). The Idea of Human Rights. New York, USA: Oxford University Press.
- Beiter, Klaus Dieter. (2006). The Protection of the Right to Education by International Law; The Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers, pp.28-30.
- Detailed minutes of the deliberations of the Final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. (1985). General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Consultative Assembly, first to thirty-first session, first volume. [In Persian].
- Harisi Nejad, Kamaluddin; Soleimani, Maedeh. (2016). Suspension of Rights and Freedoms in the Constitution of the Islamic Republic of Iran in the Light of Human Rights Documents, Islamic Law Quarterly, Year 13, No. 50, pp. 60-35... [In Persian].
- Hosseini Pilehroud, Halimeh. (1397). the right to free and public education for citizens by looking at the constitution of Iran and some countries. [In Persian]. available in: <https://vista.ir/article/300025>
- Hatami, Mehdi; Zahedi, Monira. (2017). The Right to Education and the Obligations of Governments, Tehran: Khorsandi Publications, Second Edition. [In Persian].
- Khani Valizadeh, Saeed; Lotfi, Amir Ali. (2017). A Study of the Right to Education in the Law of the Islamic Republic of Iran, Journal of Constitutional Law, Volume 14, Number 28, Fall and Winter 2017, pp. 19-41. [In Persian].
- Mehrpour, Hossein. (2012). Summary of the Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Dadgostar Publishing, Third Edition. [In Persian].
- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad. (1992). Vocabulary of Quranic Words. Lebanon - Syria: Dar al-Alam - Dar al-Shamiya. [In Arabic].
- Ramezani, Ali. (2011). The Meaning of "Right" in the View of Islamic Thinkers, Legal Knowledge, First Year, Second Issue, Winter 2011, pp89-111... [In Persian].
- Roozbahani, Mohammad. (2014). Article 30 of the Constitution and Public and Private Education. [In Persian].available at:

<https://roozbahany.blogspot.com/2013/08/08/post-102/>

- Shabani, Qasem. (2015). *Fundamental Rights and Power of the Islamic Government*, Tehran: Information Publications, Fifty-Fourth Edition. [In Persian].
- Soleimani Darcheh, Mohammad. (2014). *Introduction to the Concepts of Public Law: A Study of the Concept of Right*, Guardian Council Research Institute, Office of Systematic Studies, Serial Number: 13930035... [In Persian].
- Ssenyonjo, Manisuli. (2009). *Economic, Social and Cultural Rights in International Law*; Hart Publishing.
- Tabatabai Motameni, Manouchehr. (1399). *Study and Analysis of Citizenship and Human Rights: Public Freedoms and Human Rights*, Tehran: University of Tehran Press, sixth edition. [In Persian].
- Wellman, Carl. (1985). *A Theory of Rights: Persons Under laws, Institutions, and orals*. Totowa, USA: Rowman and Allanheld Publishers.
- Zaker Salehi, Gholamreza. (2011). *A Study of the Principles and Concepts of Higher Education Law and the Codification of Its Most Basic Issues in Iran*, Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, No. 6, pp. 25-1. [In Persian].

